

## هویت دیوان عالی کشور در حکومت امریکا

قانون اساسی کشورهای متحد امریکا و سیستم حکومت آن کشور با دموکراسی های اروپا اختلاف و تمایز دارد و یکی از موارد این اختلاف اختیاراتی است که به دیوان عالی کشور امریکا اعطا شده و در موارد خاصی قوای مجریه یا مقننه را محدود میسازد و اقدامات آنها را که با مبانی قانون اساسی یا علل دیگر تضاد با سازگاری دارد بمصلحت کشور و مردم خنثی مینماید. قانون اساسی امریکا اصل انفکاک قوای ثلاثه را بآن نحو که در اروپا و کشورهای دموکراسی اروپائی معمول و مورد عمل است نپذیرفته و بشرحی که دیده خواهد شد قوای مذکور در مواردی اقدامات و اختیارات یکدیگر را محدود خواهند ساخت. تتبع زیر خلاصه از یک رشته کنفرانسهای آقای رابرت ه. جکسن عضو دیوان عالی کشور امریکا است که آقای ابوالبشر فرمانفرمایان تهیه کرده و خود نیز مطالبی برای توضیح بآن افزوده اند. آقای فرمانفرمایان در رشته علوم سیاسی و حقوق امریکا دارای دوجه (Ph.D) و (L.L.B) و (M.A) میباشد و مقایسه ای که از تتبع ایشان بین قوانین اساسی اروپائی و امریکا پیش میاید و خصوصا مطالعه اختیارات و حدود اعمال نظر قانونی دیوان عالی کشور ایران که نتیجه جبری این مقاله است بسیار جالب خواهد بود مسئله این است که آیا اصل انفکاک قوی با صورت که منتسکیو بیان میکند در دنیای امروز و شرایط و اوضاع احوالی که در قلمروهای ملی و بین المللی وجود دارد صحیح و قابل اجراست. یا باید بر طبق ناموس کلی و اصولی طبیعت و اجتماع در آن تجدید نظر نمود.

«اندیشه و هنر»

مختصری درباره نویسنده Robert H. Jackson

جکسن در سال ۱۹۳۴ وارد خدمات دولتی امریکا شد و اولین شغلی که باو محول گردید مشاورت قضائی یا وکالت اداره کل درآمدهای مملکت بود پس از آن مشاورت و معاونت مدعی العمومی کل را عهده دار شد بالاخره وکالت دولت را در دیوان عالی کشور و پس از آن مدعی العمومی کل را عهده دار شدند. در ژوئیه سال ۱۹۴۱ بمعضویت دیوان کشور تعیین شد و تا آخر عمر یعنی تا اکتبر ۱۹۵۴ باین شغل اشتغال داشت.

---

• اداره کل درآمدهای کشورهای متحده وظائف جمع آوری مالیات و عواید دولت را که در کشورهای دیگر وزارت دادائی عهده دار است انجام میدهد.



کتاب مورد بحث موضوع يك رشته کنفرانسهای است که نویسنده قرار بود در دانشگاه Harvard قرائت کند ولی عمرش کفایت نکرد و پس از نوشتن آنها فوت کرد.

درباره موضوع کنفرانسها نویسنده ذکر میکند که وقتی دنیا گرفتار کشمکش های فلسفی و سیاسی فوق العاده امروز باشد بحث درباره موقعیت دیوان عالی کشور حکومت مملکت منحصر بذکر بعضی اصول حقوقی نخواهد بود وقتی حکومت های دموکراسی از سه قرن گذشته و بخصوص از اواخر قرن هیجدهم شروع بزندگی کنونی خود کردند اعتقاد فلاسفه و رهبران مکاتب فلسفی همه بر آن بود که يك نوع حقوق طبیعی در نهاد بشر وجود دارد که موجب پیدایش اجتماعات و خلق حکومت ها میباشند و حکومتهایی که بر این حقوق مبتنی هستند تنها قابل دوام و دموکراسی خواهند بود.

اما در چهل سال گذشته حکومتهای دموکراسی گرفتار مشکلات فوق العاده گردیدند اعتقاد عده از مردم سلب شده و ممالکی مثل آلمان و ایتالیا روی خرابه های دموکراسی خود حکومت استبداد بنا کرده اند موضوع بحث این کنفرانسها بنا بر این است که آیا تا چه حدودی دیوان عالی کشور امریکا قادر به حفظ طرز حکومت امریکا است و آیا میتواند با مشکلات جدید مبارزه کند اینک خلاصه از کنفرانسهای مذکور:

کنفرانس اول - دیوان عالی کشور امریکا یکی از اعضای حاکمه است. دیوان بر حسب قانون دارای نه عضو است که آنها را ریاست جمهور بنا تصویب سنا تعیین میکند بر حسب قانون اساسی اعضای دیوان مگر در صورت عمل نا شایست و محاکمه مخصوص در مجلس شورا بهیچ وجه و عنوانی تغییر نمی کنند و حقوق آنها نیز نقصان ناپذیر است. این دو اصل استقلال و اطمینان خاصی به اعضای دیوان داده اما اهمیت و مقام دیوان عالی کشور از نظریک عضو حکومتی روی مساواتی است که با دوقوه دیگر دولتی یعنی قوای مقننه و مجریه دارا میباشند این مساوات مستتر در حقی است که دیوان برای خود قائل است و این حق عبارت از سنجش قوانین مصوبه کنگره امریکا با معیار قانون اساسی است. اگر بنظر دیوان قانونی، برخلاف موازین و اصول قانون اساسی امریکا وضع شده آن قانون از طرف دیوان برخلاف قانون اساسی اعلام میگردد و پس از آن غیر قابل اجراست.

دیوان عالی کشور امریکا حق دارد که قانون اساسی امریکا را تعبیر و ترجمه کند و قوانینی که با آن منطبق نیستند نقض سازد این قوه فوق العاده است که نص صریح قوانین اساسی بیشتر ممالک اروپایی (و ایران) از قوه قضائی سلب کرده و به مجالس شورای ملی عطا کرده است.

این حق یا قوه ممکن است در موارد مفید و برای حفظ رویه حکومتی امریکا اعمال شود. قانون اساسی امریکا در سال ۱۷۸۸-۹ بتصویب ایالات مختلف رسید و تا کنون در حدود ۱۶۷ سال است که از زندگی آن میگذرد در این مدت انواع و اقسام تغییرات در زندگی بشر بروز کرده، جنگها و انقلابات تحولات فلسفی و سیاسی و اقتصادی آمده و گذشته است اما قانون اساسی امریکا همچنان مبنای زندگی



دولت و ملت امریکا است. دیوان عالی کشور امریکا در واقع وسیله‌ای بود که قانون اساسی آن مملکت را تبدیل به یک سند زنده و مفید در دنیای متغیر کند.

نویسنده اضافه میکند که این قوه دیوان البته محدود به حدودی است که قانون اساسی تعیین کرده مثلاً جز در موارد بسیار معدودی دیوان صلاحیت بدوی رسیدگی به پیچ دعوائی را ندارد و کنگره امریکا باید صلاحیت تمیزی آنرا تعیین کند. عبارت اخیری هرگاه قانونی مغایر قانون اساسی از کنگره تصویب گردد بخودی خود قابل طرح در دیوان کشور نیست مگر اینکه بحق اشخاص لطمه وارد آید و دعوائی در این زمینه در محاکم صالحه طرح گردد و بدیوان کشور آورده شود. علاوه دیوان حق رسیدگی به پیچ امری را ندارد مگر در ای قضائی که تحت قوانین و آئین دادرسی در محاکم طرح شده باشد و در سیر تمیزی بدیوان کشور برسد. بنابراین قدرت آن محدود و اعمالش متضمن وقت طولانی است.

کنفرانس دوم - دیوان عالی کشور یک محکمه قضائی است.

در امریکا دو سیستم قضائی وجود دارد اول سیستم قضائی ایالات مختلف و دوم سیستم قضائی دولت امریکا. دیوان عالی کشور امریکا در سیستم دوم عالی ترین محکمه قضائی است. همچنین دیوان عالی کشور امریکا عالی ترین محکمه قضائی آن کشور است در مورد دعاوی که مربوط به تعبیر و ترجمه قانون اساسی یا قوانین مصوبه کنگره امریکا باشند اما در بقیه دعاوی دیوان عالی کشور امریکا حق مداخله ندارد و دیوانهای عالی تمیز ایالات استقلال کامل دارند. در مورد وظائف قضائی دیوان عالی کشور امریکا باختصار بحث نمی توان کرد باین اندازه باید اکتفا کرد که در اکثر دعاوی مربوط با آنچه مادر ایران حقوق مدنی مینامیم دیوان عالی کشور در امریکا تابع دیوان عالی تمیز ایالات مختلف است و اگر دعاوی مطرح شده در محاکم قضائی دولتی امریکا مربوط بحقوق مدنی افراد در ایالات مختلف است محاکم قوانین ایالتی را اجرا میکنند که در آن سکنی دارند و این خود تابع استثنایات و تغییراتی است که جزئیات آنها در این مختصر نمی گنجد.

نویسنده در این زمینه نتیجه میگیرد که دیوان عالی کشور امریکا در بعضی موارد یک محکمه عادی قضائی است که طرفین پس از طی مراحل بدوی و استینافی بالاخره دعاوی خود را برای تمیز بآن رجوع میکنند. توضیحی که اجمالاً و اختصاراً میتوان داد اینست که فقط آن دعاوی از دیوانهای تمیز ایالات مختلف بدیوان عالی امریکا ( دولت فدرال ) احاله میشود که بنحوی از انحاء مربوط بیک مسئله « فدرال » باشد و اینکه چه مسئله یک مسئله فدرال است خود بحثی مفصل است.

کنفرانس سوم - دیوان عالی کشور امریکا موقعیت سیاسی دارد.

موقعیت دیوان از این نظر سیاسی است که باید در مورد تقسیم قوای مملکتی بین دو قوه مجریه و مقننه و همچنین ایالات مختلف و دولت مرکزی امریکا حکم باشد. این دیوان چهار قسم تعادل سیاسی را در مملکت امریکا نگه میدارد اولاً - بین قوه مجریه و مقننه - قانون اساسی امریکا حدود قوای هر یک از این دو شعبه حکومت را تعیین کرده و چون دیوان عالی کشور حق تعبیر و ترجمه قانون



اساسی را دارد در صورت اختلاف بین قوای مختلف دولتی قضیه بصورت يك محاکمه حقوقی بدیوان رجوع میشود.

مثلا در حین جنگ کره دولت امریکا با کارخانه های فولاد سازی مملکت در سروض کارگران و قیمت فولاد گرفتار مشکلاتی شد کارخانه ها تهدید کردند که تعطیل خواهند کرد. کنگره امریکا در آن موقع با شخص ریاست جمهور نظیر خوشی نداشت و قوه مجریه اطمینان داشت که کنگره قوانین لازمه را وضع نخواهد کرد بنا بر این رئیس جمهور اعلام کرد که برای حفظ آبروی مملکت صنایع فولاد سازی را تصرف خواهد کرد و در یکروز عمل تصرف صورت گرفت.

کارخانه ها بر علیه دولت و برای خلع بد در محاکم فدرال امریکا اقامه دعوا کردند و پس از محکومیت در بدایت دولت مستقیما بدیوان کشور تمیز داد و کیل دولت مدعی بود که موقع خطرناک است و چون ریاست جمهور بر حسب قانون اساسی فرمانده کل قوا است حق دارد که برای حفظ موقیعت مملکت منابع فولاد سازی را برای دولت تصرف کند و کیل شرکت های فولاد مدعی بود که ممکن است وضعیت خطرناک باشد و رئیس جمهور هم البته فرمانده کل قوا است اما بدون نص صریح قانون مصوبه کنگره رئیس جمهور حق تصرف منابع را ندارد دیوان کشور بر علیه ریاست جمهور حکم کرد و اختلاف بین دو قوه مقننه و مجریه حل شد.

ثانیا - بین ایالت و دولت مرکزی - حدود استقلال ایالات امریکا در امور خود و اصطکاک آنها با دولت مرکزی امریکا بسیار حساس و دائما در محاکم مختلف مطرح است دیوان کشور مجری محدودیتهائی است که قانون اساسی برای ایالات و بنفع دولت مرکزی پیش بینی کرده مثلا قوانین مصوبه کنگره امریکا بر قوانین ایالات در صورتیکه بین آنها اختلاف باشد ارجحیت دارد. دیوان عالی کشور امریکا آخرین مرجع و حکم در این مورد است. مداخله دیوان کشور در این موارد البته مربوط باین است که در محاکم بدوی دعوا اقامه شده و یکی از طرفین مدعی باشد که قانون ایالتی با قوانین مملکتی اختلاف دارد و در این اختلاف منافع مادی یا معنوی او در خطر است در این صورت دیوان کشور به مسئله رسیدگی میکند و حکم میدهد امثال این مسائل بسیار زیاد و دعاوی متنوع است.

ثالثا - تعادل بین ایالات با یکدیگر - اغلب مسائل مرزی و قضائی بین ایالات مختلف پیش می آید و دیوان عالی کشور آخرین مرجع رسیدگی است مثلا اگر رودخانه ای در مرز دو ایالت باشد و برای تصرف آب آن بین طرفین اختلاف حاصل شود مسئله بدیوان کشور رجوع میشود و حکم آن قطعی است و در چنین موارد از قوانین بین المللی عمومی استفاده میشود و در قوانین بین المللی نیز باین موارد توجه کرده اند. و اما - تعادل بین حقوق انفرادی و قوانین مصوبه - دیوان عالی کشور آخرین مرجع رسیدگی بدعاوی مربوط بحقوق انفرادی است ایالات و بیاد دولت مرکزی امریکا گاهی قوانینی میگذرانند که ممکن است با موازین قانون اساسی و حقوق انفرادی توأم نباشد - در این صورت پس از طی مراحل مقدماتی دیوان عالی کشور به مسئله رسیدگی میکند و چنین قوانین را نقض و لغو اعلام میدارد.



در خاتمه نویسنده نتیجه میگیرد که يك قوه قضائی مستقل و عاقل و دالم برای زندگی دموکراسی و مردم آزاد لازم است اما هیچ قوه قضائی نتوانسته بخودی خود از شروع و ایجاد استبداد جلوگیری کند نویسنده از جنگهای داخلی امریکا شاهد می آورد و اضافه میکند که قوه قضائی از بروز انقلابات یا تسلط استبداد نمیتوانست جلوگیری کند او معتقد است که بغیر از قوه قضائی خوب يك اجتماع باید دارای صفات دیگری باشد تا بتواند با مشکلات امروزی مبارزه کند .

ابوالبشر فرمانفرمایان

## ضرب المثلهای سوررئالیست

نهضت سوررئالیسم که مدتهاست از مد افتاده و شاید هم مدفون شده پس از جنگ جهانی اول در اروپا بروز کرد و سالها بعد با امریکا کشید. گویا اینکه در بدو امر جنبه تخریبی این جنبش بر جنبه مثبت آن میچربید ولی در حقیقت عکس العمل بجایی بود در برابر ادبیات رسمی و هنر سفارشی. اثر محو نشدنی که سوررئالیسم در شیوه نویسندگی و روبه هنری و طرز فکر بسیاری از نویسندگان و شعرا و هنرمندان معاصر اروپایی بجا گذاشته غیر قابل انکار میباشد .

سوررئالیسم یکنوع بی بند و باری و تجدد خواهی محسوب میشد و بعضی مواقع جنبه استهزاء و تفنن بخود میگرفت چند نمونه از ضرب المثلهای سوررئالیست که در زیر ترجمه شده خالی از عمق و ظرافت نیست .

پروژه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فیلها مسری هستند .

وقتی تخم مرغ از خاکینه خوشش نیاید بد تخم مرغهای دیگر را میشکنند .

آدم باید تا مادرش هنوز جوان است او را کتک بزند .

سك ژولیده پشم و پيله اش را میکند .

استخوان پوسیده نیاکان را نغزاشید .

آدم کشی هرگز دزدی نیست .

دوستك را بايك مكس خورد کردن .

رویای بی ستاره رویای فراموش شده است .

پرندگان بزرگ پنجره های كوچك میسازند .

درخت شوئی !

سربسزگاری نعلش کش گذاشتن !

(پل الوار و بنژا من پره) (۱۹۲۵)